

## راننده پاکدست

## کیف ۱۰۰ میلیونی را به زائر کربلا رساند

**حسین محمدنژاد، راننده پاکدست که کیف حاوی یکصدمیلیون تومان پول و طلا را به زائر کربلا رساند، ماجرا را شرح داد.**

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل اتوبوس مسافربری جوان سیر، حامل زائران کربلا در یکی از محله‌های قلعه حسن خان توقف کرد و زائران یک به یک از اتوبوس پیاده شدند. بعد از پیاده شدن مسافران بود که مدیر کاروان به درخواست راننده پار دیگر اتوبوس با بررسی کرد تاوسایل همراه پشت فرمان اتوبوس بین‌شهری مشغول کار هستم. او در شرح ماجرای پیدا کردن توقف کرد و مشغول نظافت شد، زیر یکی از صندلی‌ها کیف زلفه‌ای پیدا کرد. او بعد از گشودن در کیف، متوجه مقدار زیادی دلار، طلا و پول نقد به ارزش یکصد میلیون تومان شد.

حسین محمدنژاد، ۵۰ساله در شرح ماجرا به خبرنگار ما گفت: من از آزادگان دوران دفاع مقدس هستم و شش سال را در اسارت گذراندم. بعد از آزادی از زندان بعث و از مدتی قبل در شرکت جوان سیرایران به عنوان راننده اتوبوس بین‌شهری مشغول کار هستم. او در شرح ماجرای پیدا کردن کیف هم گفت: آن روز مشغول نظافت داخل اتوبوس بودم که زیر یکی از صندلی‌ها کیف زلفه‌ای پیدا کردم. بعد از گشودن در آن متوجه مقدار زیادی دلار و طلاداخلم شد. اول به دنبال شماره تماس یا مشخصات صاحب کیف گشتم، اما چیزی داخلش کیف نبود به خاطر همین خیلی زود بامدیر کاروان تماس گرفتم و ماجرا را توضیح دادم. مدیر کاروان گفت: صاحب کیف متوجه کم شدن آن شده و به اومراجعه کرده‌است. خیلی زود خودم را به آنها رساندم و کیف و تحویل صاحبش دادم. صاحب کیف زن میانسالی بود که به شدت گریه می کرد. او آن قدر هول شده بود که برای قدر دانی می خواست دستم را بگیرد. می گفت که طلاهاامانت مردم بوده و فکر می کرده که کیف را داخل خاک عراق جا گذاشته‌است.

راننده اتوبوس درباره مژدگانی هم گفت: من این کار را برای رضای خدا انجام دادم و اصلا توقع ندارم در باره کار درستی که وظیفه انسانی ماست مژدگانی بگیرم.باین حال آن زن با اصرار ۵۰هزار تومان، رئیس کاروان ۵۰ هزار تومان ومدیر شرکت هم ۲۰۰ هزار تومان به من مژدگانی دادند. راننده درباره وسوسه برداشتن کیف هم گفت: آدم باید خودش را اجای مالباخته بگذارد تا بتواند انکی ارزش خدا پسندانه‌ای را که انجام می دهد، در کند. از اینکه آن مادر را خوشحال کردم و رضای خدا را به دست آوردم، خدا را شکر می کنم. من سختی‌های زیادی را در اسارت گذرانده‌ام و عمل به تکلیف الهی را وظیفه خودم می دانم. او در باره سواقی کاری که انجام داده هم گفت: این برای سومین بار بود که توانستم کیف مسافری را به او برسانم. یک بار بعد از پیاده کردن مسافرانی که از رشت به تهران منتقل کرده بودم، متوجه شدم که یکی از مسافران کیف خودش را جا گذاشته‌است. داخل آن کیف ۷ میلیون تومان پول بود که با کمک مدیران شرکت صاحب آن را پیدا کردیم. یک بار هم در مرز مهران متوجه شدم که کیف یکی از زائران که داخل آن اوراق هویتی و گذرنامه و مقداری پول و طلا بود، جا مانده‌است. من آن کیف را به مدیران شرکت دادم و آنها بعد از پیگیری آن را به صاحبش رساندند.



پیکیری خیر

## مرد افغان قتل را انکار کرد

**مردی افغان که متهم است، پس از قتل موهنشن جسد وی را کنار هتل اوپین رها کرده بود، جرمش را انکار کرد.**
به گزارش خبرنگار ما، صبح روز شنبه ۳۰ مرداد مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب جسد پسر ۲۰ساله‌ای را حوالی هتل اوپین کشف کردند.
لحظاتی بعد قاضی ایلمخانی، باز پرس و ویژه قتل تهران همراه کارآگاهان اداره دفاع ملی پلیس آگاهی در محل حاضر شد.نخستین بررسی‌ها نشان داد پسرزود فوت شده حقیقت نام دارد و افغانی است.
کبودی‌های دور گردن مقتول حکایت از آن داشت که وی در مکان دیگری بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردنش به قتل رسیده و جسدش به این محل منتقل شده‌است.
هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران تحقیقات گسترده‌ای را درباره این حادثه آغاز کردند.

مأموران در بررسی‌های میدانی دریافتند مقتول مدتی است با مرد افغانی دیگری به نام بهشیر اختلاف دارد. همچنین مشخص شد بهشیر آخرین فرد بوده‌است که قبل از حادثه با مقتول دیده شده‌است. بنابراین مأموران بهشیر را به عنوان مظنون حادثه شناسایی و بازداشت کردند.متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای جنایی منتقل شد. وی در تحقیقات، قتل پسر افغان را انکار کرد و در ادعایی گفت: من و حقیقت و چند کارگر دیگر در مسجدی حوالی آنی‌سازان کار می‌کنیم و پس از پایان کار هر کدام برای استراحت به باکانس‌های خودمان می‌رویم.

مدتی قبل مقتول مقداری پول به من فرض داد. چند روز قبل طلبش را در خواست کرد اما چون صاحبکار من به پولی نداده بود از او خواستم که چند روزی صبر کند به همین دلیل با هم اختلاف داشتیم. ساعت ۱۹ عصر روز جمعه به سراغ حقیقت رفتم و طلبش و اادامه‌ها و آن ساعت به بعد دیگر از او خبری نداشتم تا اینکه مأموران جسدش را کشف کردند. وی در ادامه گفت: مدتی است با پسر ۱۳ساله‌ای که او هم کار گراستم اختلاف دارم. به همین خاطر از من کینه بد دل دارد و به مأموران گفته‌است که من حقیقت را قتل رساندم. متهم به دستور قاضی ایلمخانی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

**پسر افغان که متهم است دو سال قبل دختر مورد**

**علاقه‌اش را با نانچیکو به قتل رسانده به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.**

به گزارش خبرنگار ما، صبح روز ۱۹ آغمنده‌ماه سال

۹۳ بود که مرد میانسالی مأموران پلیس پاکدست را از قتل دخترش در محله فیلهستان با خبر کرد. او گفت: مدتی قبل بود که با آذر آشنا شدم و به او جسد متعلق به دختری ۱۸ساله بود که یک نانچیکو به دور گردنش قرار داشت و سرش با اصابت جسم سخت هدف قرار گرفته بود. مأموران در بررسی صحنه تخته سنگی خون آلود و چند ساندویچ که داخل نایلونی قرار داشت، پیدا کردند.

پدر دختر که پلیس را از ماجرا با خبر کرده بود، در شرح ماجرا گفت من تبعه افغان هستم و از چند سال قبل در اینجا زندگی می‌کنم. لحظاتی قبل خواستگار دخترم که اکبر نام دارد و او هم تبعه افغان است با من تماس گرفت و گفت که آذر را پشت خرابه‌های محل به قتل رسانده و فرار کرده‌است. از حرفش تعجب کردم با این حال وقتی خودم را به اینجا رساندم، جسد دخترم را پیدا کردم. پدر مقتول

# حوادث

سرویس حوادث ۸۴۹۸۴۳۵

### پسر افغان که نامزدش را با نانچیکو به قتل رسانده محاکمه می‌شود

# آذر از وصلت با من منصرف شده بود، او را گشتم



او را دنبال کردم. به یک مغازه رفت و چند ساندویچ و نوشابه خرید و به طرف خانه‌شان حرکت کرد. در مسیر خودم را به او رساندم و خواستم بیاید تا در باره اختلافمان حرف بزنیم. با اصرار او را به خرابه‌های محل بردم. آنجا بود که درباره رابطه‌اش سؤال کردم، گفت با کسی ارتباط ندارد، اما از ازدواج با من هم منصرف شده‌است. من هم که از رفتارش عصبانی بودم، نانچیکویی را که همراهم بود، به دور گردنش انداختم و آن قدر فشار دادم تا اینکه بی حال شد و روی زمین افتاد. بعد هم با سنگ چند ضربه به سرش زدم. تا صبح بالای سر جسد ماندم و منتظر بودم که به هوش بیاید، اما وقتی مطمئن شدم فوت شده با پدرش تماس گرفتم و ماجرا را شرح دادم.

بعد از اقرارهای متهم و بازسازی صحنه جرم، باز پرس او را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و پرونده برای رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. متهم به زودی پای میز محاکمه حاضر می‌شود.

# قاچاقچی ۸۰۰ تنی مواد دستگیر شد

### گسترش آسیب‌های مواد مخدر ضرورت بازنگری را در شیوه‌های برخورد پرننگ‌تر کرده‌است

اندام مخدّری است که پس از انقلاب موفق به دستگیری

وی شده‌ایم. وی ادامه داد: در بررسی‌های به عمل آمده و بر اساس اقدامات اطلاعاتی انجام شده، تا این لحظه موفق به شناسایی میلیون‌ها تومان از اسواول و املاک این قاچاقچی بین‌المللی در اقصی نقاط کشور شده‌ایم.
که البته شناسایی اموال این قاچاقچی بزرگ همچنان ادامه دارد. وی ادامه داد: این فرد از سال ۷۱ فعالیت خود را در قاچاق مواد مخدر به صورت حرفه‌ای آغاز کرده بود و علاوه بر قاچاق مواد مخدر در داخل کشور، خط و مسیر بین‌المللی خاصی در خارج از کشور نیز داشته‌است.

سردار رحیمی گفت: در عملیات دستگیری این فرد بیش از ۳۰۰ نفر از افرادی که تحت هدایت وی در قالب باندهای قاچاق مواد مخدر فعالیت داشتند، شناسایی و دستگیر شدند وی گفت:متهم ساکن ایران است و شخصاً در دو استان سیستان و بلوچستان و کرمان تردد داشت که با انجام اقدامات اطلاعاتی گسترده موفق به شناسایی و دستگیری وی شدیم.

**درباره تسماح خلیج**

دو سال قبل هم یک قاچاقچی بزرگ مواد مخدر معروف

به تسماح خلیج بازداشت شده؛ متهم ۳۰ساله‌ای که بی‌دوام است و هنگام بازداشت یکی از مأموران پلیس را به شهادت رساند. سردار علی مؤیدی، قائم‌مقام دبیر کل

سند مبارزه با مواد مخدر در این یاره گفته‌است در پرونده وی، بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان در شبکه بانکی کشور ظرف هفت یا هشت سال مبادلات مالی انجام داده بود. این یک خبر بسیار تکان دهنده‌است که یک قاچاقچی مواد مخدر با خیال راحت توانسته‌است، طرف هشت سال چنین گردش مالی عظیمی را در شبکه بانکی رسمی کشور داشته باشد و کسی هم متوجه چنین بدبالات مالی کلانثی نشود و به سراغ او نرود. سردار مؤیدی چند پرسش هم در این باره طرح کرده‌است: نخستین پرسشی که بعد از شنیدن این خبر به اذهان خطور می‌کند، این است که ققیّاد در شبکه بانکی ایران چه خبر است؟ چند نمونه مشابه از چنین گردش مالی‌های کلانثی مرتبط با قاچاق کالا و مواد مخدر و دولالی و دیگر فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی در شبکه بانکی ایران وجود دارد؟

**کشف اموال میلیاردی متهم**
سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان هم گفت: متهم از بزرگ‌ترین قاچاقچیان



ساماندهی مؤثر حساب‌های بانکی وجود دارد.

**طرح یک پرسش**

اعلام خبر بازداشت قاچاقچی با ۸۰۰ تن مواد کشف شده یک پرسش اساسی را مطرح می‌کند:اینکه چرا نظام در برخورد با این افراد دانه درشت ناتوان است؟ در حالی که بسیاری از سوداگران مرگ به خاطر چند گرم شیشه یا هر بین اندام می‌شوند، این فرد با افراد چگونّه و با چه سختاری در چرخه مواد مخدر فعالیت می‌کنند که گرفتار دستگاه‌های انتظامی نمی‌شوند؟ براینده عمومی این است که از بین رفتن سر شبکه‌های این مواد، منجر کاهش مواد مخدر خواهد شد.

**کلاف سردرگم در مبارزه با مواد مخدر**

بیش از ۳۷ هزار نفر تا کنون در جریان مبارزه با مواد مخدر به شهادت رسیده‌اند و شمار بیشتری هم مجروح و دچار صدمات بدنی شده‌اند. از شمار افرادی هم که در جریان قاچاق مواد مخدر بازداشت و اعدام شده‌اند، آماری انجام داده‌اند، اما آسیب‌های موجود حکایت از این دارد که با شیوه‌هایی که در حال حاضر برای مبارزه با مواد مخدر در جریان است زور سوداگران مرگ به همه اینها می‌چربد.

### ادامه بررسی‌ها درباره حادثه مرگبار پارک الغدیر تهران

**پرونده مرگ دلخراش پسر نوجوان در**

**آبنمای پارک الغدیر تهران در دادسرای**

**ناحسه ۷ تهران بررسی خواهد شد.**

به گزارش خبرنگار ما، غروب روز شنبه ۳۰ شهریور ماه بود که پسر ۱۳ساله‌ای به نام علی همراه تعدادی از دوستانش برای بازی فوتبال وارد پارک الغدیر در شمال شرق تهران نشد. آنها با توپ پلاستیکی‌شان به کنار آبنمای پارک رفتند و پس از بازیگری بازی را آغاز کردند. دقایقی از بازی نگذشته

بود که شوت یکی از پسران نوجوان توپ پلاستیکی را وارد حوضچه آبنما کرد. یکی از همبازی‌های علی برای بیرون آوردن توپ به کنار حوضچه رفت. او با پایش تلاش کرد توپ را بیرون بیاورد اما به خاطر قد کوچکش موفق نشد. این بار علی داوطلب شد و پایش را در آب حوضچه گذاشت که ناگهان پایش سر خورد و به گفته دوستانش به سیم برق لختی که از آب بیرون زده بود، برخورد کرد. بدن علی لرزید و داخل آب افتاد. تانابهایی بعد دوستانش همراه رفتگر و مرد افغان بیکری بی جان علی را از داخل آبنما بیرون کشیدند. به گفته یکی از شاهدان علی وقتی دو پایش را به داخل آب حوضچه گذاشت ناگهان برق او را گرفت و وقتی او را بیرون آورده بودند صورتش به شدت کبود شده بود که حکایت از آن داشت به علت برق گرفتگی همان ابتدا فوت کرده بود. به گفته یکی از شاهدان، اورژانس در محل حاضر نشد و گفته بودند که خودروی ند را به همین دلیل مرد افغان او را کول کرده و به بیمارستان الغدیر بر د. وقتی پسر نوجوان از وی پرس

پزشکان اعلام شدقاضی حسین پور، باز پرس ویژه قتل دادسرای جنایی در محل حاضر شد و دستور تحقیق داد. تیم پزشکی بعد از معاینه اولیه علت مرگ را برق گرفتگی اعلام کردند. اما از آنجایی که فرضیه‌های دیگری در فوت پسر نوجوان مطرح بود جسد برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

در حالی که اتاعلام نتیجه قطعی پزشکی قانونی درباره علت مرگ علی تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد، صبح دیروز پرونده حادثه مرگبار آبنمای پارک الغدیر برای ادامه رسیدگی به دستور قاضی حسین پور به دادسرای ناحیه ۱سید خندان که امور مربوط به شهر دادی‌ها را بررسی می‌کند، فرستاده شد. براساس این گزارش از آنجایی که این حادثه عمدی نبوده‌است پرونده از دادسرای جنایی به دادسرای ناحیه ۷ منتقل شده‌است.

### مرگ غم‌انگیز ۲ معلم

### در کارون

**تلاش‌های آقا معلم برای نجات جان**

**همکارش از آب‌های رودخانه کارون**

**تسّر نداشت و هر دو غرق شدند.**

این حادثه عصر روز یکشنبه در رودخانه کارون در شهرستان شوشتر اتفاق افتاد. سه معلم همراه خانواده‌های خود کنار رودخانه رفته بودند که یکی از آنها وارد آب شد و در آستانه غرق شدن قرار گرفت. با دیدن همکار او برای امداد وارد آب شد، اما تلاش‌ها ثمری نداشت و هر دو غرق شدند. مجید موحّدیان، مدیر آموزش و پرورش شهرستان باوی گفت: معلم‌های فوت شده رحمان علیبی و جلیل محمودی هستند که جسد رحمان از آب خارج شد، اما تلاش‌ها برای کشف جسد جلیل در جریان است.

### عزل وکیل

و کالت می‌تواند برای مدت زمان محدود یا نامحدودی باشد. هر

اقدامی که وکیل در مدت وکالت یا قبل از عزل توسط موکل در حیطه مورد مگر عملی که طبق عرف و قانون، خارج از مورد وکالت تلقی شود.

البته و کالت با فوت یسا تأیید جنون هر کدام از طرفین باطل می‌شود. اگر برای انجام کاری، دو یا چند وکیل معین شده باشند، هیچ کدام نمی‌توانند بدون حضور دیگری در آن کار دخالت کنند. مگر اینکه به طور مستقل وکالت داشته باشند.

در صورت برکناری و کیسل، باید تمام حق اوالکله به او پرداخت شود، مگر اینکه طرفین توافق دیگری کرده باشند و نیز استغفای وکیل به موکل و مرج قضایی و اداری اعلام می‌شود و وکیل برای کارهایی که انجام داده حق اوالکله می‌گیرد. نکته دیگر اینکه نمی‌تواند همزمان وکالت شخصی را که طرف دعوی موکل اوست به عهده بگیرد و باید صلاح موکل را رعایت کند. اگر وکیلی در کار خود به متکب تخلفی شود، در مرج رسیدگی به این شکایات، دادسرای کانون وکلای دادگستری مستقر در کانون وکلاست.

### پاشنگاه حقوقی

